

جهان آشفته و بربریت کاپیتالیسم !

کدام جهان دو قطبی ؟

(بخش سوم)

رحمان حسین زاده

صفحه ۳

خودکشی کودکان در ایران، یک معضل اجتماعی!

پروین کابلی

صفحه ۴

میزگرد کمونیست در باره تحولات جهان، منطقه و ایران

سیاوش دانشور، ناصر مرادی، عبدالله دارابی

صفحه ۵

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در رابطه با حکم اعدام پخشانی عزیز

جواب در خور یک جامعه در حال انفجار، امروز در مقابل استانداری جمهوری اسلامی در سندج!

صفحه ۹

در برابر یاوه گویی های پزشکيان و کاظمی؛ تشکل یابی

ومبارزات پیگیر!

فاطمه عسگری

صفحه ۱۰

در صفحات دیگر

- روزی که آغاز؛ نظم نوین خونین؛ امپریالیسم آمریکا رقم خورد - انتشار مجدد

یک اطلاعیه - رحمان حسین زاده

- اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان - علیه حکم

جنایتکارانه علیه پخشانی عزیز و وریشه مرادی

- ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

- ستون آخر، این جنگ نابرابر است، اما بازنده شما هستید - ملکه عزتی

۷۸۶

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۲۸ دی ۱۴۰۳ - ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵

علیه حکم شنیع اعدام

مردم مبارزه کردستان علیه حکم اعدام پخشانی عزیز و وریشه مرادی

تائید حکم اعدام پخشانی عزیز فعال اجتماعی ومدنی، توسط مجتمع قاتلان دیوان عالی کشور، به حق مورد اعتراض مردم مبارز سندج و فعالین داخل و خارج کشور قرار گرفت. جمهوری اسلامی که غرق در بحران و با نارضایتی و نفرت روزافزون مردم روبروست، ترس از خیزشهای مردمی، شمشیر را از رو بسته و ماشین جنایت را فعال کرده است. به خیال خود می تواند با اعدام فعالین و مردم دوستان و دستگیری و شکنجه فعالین و معترضان، می تواند مردم را از عزم جزمشان برای سرنگونی دایناسورهای اسلامی پشیمان کند.

جرم پخشانی عزیز به عنوان مدد کار اجتماعی، خدمت به آوارگان جنگی و کمک به زنان بعد از آزادی از دست وحوشان داعش در اردوگاههای آوارگان بوده است. پخشانی عزیز در جامعه ای که به درجه ای نرم انسانی حاکم باشد باید به پاس خدمات انسانی به مردم جنگ زده و آواره مدال احترام و انسانی می گرفت، اما در جامعه تحت حاکمیت حکومت جنایتکار اسلامی پخشانی عزیز به جرم آزادیخواهی و انساندوستی حکم اعدام می گیرد. پخشانی عزیز از دست داعش جان سالم به در برد، اما توسط حکومت داعشی در ایران حکم اعدام گرفت. دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی برای توجیه حکم اعدام پخشانی عزیز سناریونخ نما ساخته، به دنبال گردن برای طناب دارشان هستند. ننگتان

صفحه ۲

پاد!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



امروز، این زن غیور به جای تقدیر و ستایش، با حکمی روبرو شده است که نه تنها هیچ سختی با خدمات و فعالیت‌های او ندارد، بلکه نمادی از بی‌عدالتی در برابر خدمات انسان دوستانه است. پخشان عزیزی به مثابه یک فرد نیست؛ او تجسم آرمان‌های انسانی است. او نماینده‌ی امید، زندگی و مقاومت در برابر مرگ و ناامیدی است.

براین اساس هرگونه اقدامی برای خاموش کردن صدای او، تلاش برای سرکوب همین ارزش‌های بنیادین است. حکمی که برای پخشان عزیزی، یک مددکار اجتماعی بی‌گناه و خدمت‌گزار، صادر شده است، عادلانه نبوده، چرا که نجات جان انسان‌ها و بازگرداندن امید به زندگی، هرگز جرم نبوده و نخواهد بود. لغو این حکم و احکام ناعادلانه تمامی زندانیان عقیدتی کمترین اقدامی است که می‌تواند اندکی از اعتبار انسانی و اخلاقی را برای نظام عدالت کیفری بازگرداند.



علیه حکم شنیع اعدام

مردم مبارزه کردستان علیه حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی

نه تنها پخشان عزیزی، وریشه مرادی، مجاهد کورکور، مهدی حسنی و بهروز احسانی از بازداشتیهای خیزش انقلابی ۱۴۰۱ زیر تیغ اعدام قرار دارند. امروز ۲۶ دی ماه مردم مبارز سنندج در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی در مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی بر گزار کردند و با شعار "نه به اعدام، آری به زندگی" پخشان نماد امید است، اعدامش خیانت به انسانیت است "خواهان لغو اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی و سایر زندانیان زیر تیغ اعدام و آزادی زندانیان سیاسی در بند شدند. همچنین روز ۲۴ دیماه جمع زیادی از خانواده های دادخواه و خانواده زندانیان سیاسی بر سر مزار ابراهیم لطف الهی در هفدهمین سالگرد قتل این دانشجو توسط سازمان اطلاعات مخوف اسلامی در شهر سنندج، در بیانیه ای خواستار لغو اعدام پخشان عزیزی، آزادی زندانیان سیاسی و به تداوم کشتار شهروندان در کردستان هشدار دادند.

تنها راه جلوگیری از اعدام و کوتاه کردن دست جنایتکاران اسلامی از تداوم دستگیری، زندان و آزار جسمی و روحی مخالفین سیاسی، گسترش اعتراض جمعی علیه جمهوری اسلامی است. تکثیر اعتراض مردم مبارز شهر سنندج علیه اعدام است. لغو حکم اعدام شریفه محمدی فعال کارگری، تنها با اعتراض فعالین و مردم مبارز و آذینخواه در داخل و خارج کشور و تحت فشار قرارداد جمهوری اسلامی ممکن شد.

جمهوری اسلامی از هر لحاظ ورشکسته است. جمهوری اسلامی تحت فشار اعتراضات و اعتصابات در داخل، اعتراض زنان و شکستهای پی در پی در سیاستهای برنمرزی ضعیف و منزوی تر شده و برای جبران این شکستها و مقابله با ناراضیتهای عمومی مردم به دستگیری و زندان و اعدام سرعت بخشیده است. با گسترش اعتراض و اعتصاب دست رژیم هار اسلامی را از اعدام و دستگیری مخالفین سیاسی کوتاه کنیم.

سردبیر

16 ژانویه 2025

متن کامل بیانیه تجمع اعتراضی مردم سنندج در محکومیت حکم اعدام پخشان عزیزی

ما امروز اینجا گرد آمده‌ایم تا در برابر بی‌عدالتی‌ای آشکار و غیرقابل توجیه، صدای اعتراض خود را بلند کنیم. پخشان عزیزی، زنی که تمام زندگی خود را وقف یاری به هموعان کرد، مددکار اجتماعی‌ای که بیش از یک دهه در میان بحران‌های انسانی در کمپ‌های آوارگان ایستاد، نماد خدمت بی‌شائبه، مقاومت در برابر ناامیدی و تجسم واقعی مهر و شفقت بود. پخشان نه یک مددکار عادی، بلکه نقطه امید هزاران زن و کودک بود؛ زنی که در سایه‌ی جنگ و ویرانی زندگی خود را از دست داده بودند و کودکانی که آینده‌ای جز تاریکی برای خود نمی‌دیدند. او همان دستی بود که از میان ویرانه‌ها به سوی زندگی دراز می‌شد، همان صدایی که در سکوت تحمیل‌شده بررنج‌دیدگان، فریادگر حق بود.

فعالیت‌های او نه تنها در راستای بازسازی جسم و جان افراد آسیب‌دیده بود، بلکه پیام‌آور باور به امکان زندگی در دل بحران و ویرانی بود. اما

مرگ بر جمهوری اسلامی!



معنای کسب ارزش اضافه از کرده کارگر و مزد بگیران توسط سرمایه اینچنین وسیع نبوده است. هیچ دوره ای گرفتن سهم کمتر کارگر و مزدبگیران از حاصل کار خود اینچنین پایین نبوده است. ابعاد ریاضت کشی اقتصادی، موج بیکاری و بی مسکنی، فقر به معنای واقعی کلمه تهدیدی علیه زندگی دهها میلیونی انسانها در کشورهای غربی و میلیاردها انسان در سطح جهان است. همانطور که در جای دیگری

نوشتیم. وقتی که اقلیتی انگل وسایل تولید اجتماعی را تنها با هدف کسب سود زیر سلطه خود گرفته اند، این درجه از پیشرفت و تکامل ابزار تولید با بارآوری کار به کمک وسایل بسیار پیشرفته در تولید به جای کار زنده، به جای اینکه در خدمت فراغت انسان باشد، موج بیکاری و ارتش ذخیره کار را افزایش میدهد. انباشت و تراکم سرمایه و ثروت اجتماعی در دست یک عده در قطبی، به گسترش مداوم فقر و گرسنگی و نابرابری میلیاردی انسانها در قطبی دیگر منجر شده و منجر میشود. وقتی که شاهدیم دوره فراوانی را به دوره تحمیل امساک هر روزه به تولید کنندگان واقعی سرمایه و ثروت اجتماعی و واداشتن آنان به زندگی دائمی زیر فقر تبدیل کرده اند. شاهدیم جنگ و تروریسم و نسل کشی و آوارگی و گرسنگی دادن را به زندگی بخش بزرگی از مردم جهان تحمیل نموده اند. بخش عظیمی از طبقه کارگر را از حقوق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خود توسط ابزار سرکوب و تحمیل بورژوازی، محروم کرده اند. در اکثر کشورهای سرمایه داری جهان نه تنها با ارزان نگاهداشتن کار که با ابزار تحمیل و سرکوب و اراغاب، آگاهانه کارگران را گرسنه نگاه میدارند تا توقع آنها را از رفاه و از تلاش در بهبودی شرایط کار و زندگی پایین بیاورند. استفاده از کار کودکان و مراکز کار بردگی مزدی بدون استثناء در همه کشورهای سرمایه داری جهان وجود دارد، لذا پیشرفتهای علمی و تکنیکی بورژوازی نیز عملاً در خدمت این است که چگونه استثمار طبقه کارگر را تشدید کنند.

حتی گسترش علمی در زمینه پزشکی و فراورده های آن هم به جای اینکه به طب مجانی، به داروی مجانی و بهداشت مجانی منجر شود به وسیله ای برای رقابت و سوداندوزی دولت و سرمایه دارن بورژوا تبدیل شده است. سالیانه میلیونها انسان به دلیل عدم دسترسی به این امکانات جان خود را از دست میدهند. اکنون به وضوح دیده میشود، پیشرفت سرسام آور و همه جانبه علم و تکنولوژی و دستیابی به هوش مصنوعی تحت کنترل سودورزی سرمایه، عمدتاً علیه زندگی شایسته انسان امروز و خیلی محدود در خدمت تامین رفاه و امنیت و فراغت و سلامت انسان بکارگرفته میشود. به این وضعیت و به این ترازنامه کاپیتالیستی، نامی جز بربریت مدرن بورژوازی و دول مربوطه نمیتوان گذاشت که هم اکنون طبقه کارگر و مزدبگیران در سطح جهان با گوشت و پوست تجربه اش میکنند.

بربریت سرمایه داری در چهارچوب این نظم استثمارگر راه حلی ندارد. نگاه کسانی به "توهمات رفرمیستی" مشابه دوره بعد از جنگ جهانی دوم و عرض اندام جناح "چپ بورژوازی و سوسیال دمکراتیک" برای بستن سدی "اصلاح طلبانه" در مقابل روند ارتجاعی و منفعت طلبی سراپا ضد انسانی سرمایه به انقیاد بیشتر طبقه کارگر و بشریت سرابی بیش نیست. این روند تنها با به میدان آمدن آگاهانه و سازمان یافته طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی کارگری برای درهم کوبیدن اساس نظم وارونه کاپیتالیستی و سد کردن بربریت این نظام ممکن است. در نظر داشتیم در همین بخش به این بعد از مسئله پردازم، جهت پرهیز از طولانی شدن مطلب در بخش بعدی به آن میپردازیم.

ادامه دارد

جهان آشفته و بربریت کاپیتالیسم!

کدام جهان دو قطبی؟

(بخش سوم)

رحمان حسین زاده

دو قطبی فقر و ثروت، دو قطبی کار و سرمایه!

وقتی از جهان دو قطبی صحبت میشود، اساساً اذهان بر روی جهان دو قطبی میان قدرتهای کاپیتالیستی متمرکز میشود. در این تصویر گمراه کننده دو قطبی بنیادی جامعه بشری، دو قطبی ریشه دار طبقاتی و اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر، دو قطبی فقر و ثروت، دو قطبی کار و سرمایه به حاشیه رانده میشود. با مهندسی افکار عمومی و عامدانه دو قطبی محوری نظم سرمایه را پرده پوشی میکنند تا مصائب ریز و درشت تحمیل شده توسط سرمایه داری به طبقه کارگر و بشریت و کشمکش دایمی گاه نهمان و گاه آشکار کارگران و استثمارشدگان را علیه این دو قطبی موجود و ننگین سرمایه پرده پوشی کنند. برای مدت طولانی وجود دو قطبی بلوک شرق و غرب کاپیتالیستی بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه پایانی قرن بیستم شدت در خدمت حاشیه ای کردن دو قطبی کار و سرمایه و جدال طبقاتی ناشی از آن در راستای حفظ نظم مصیبت بار سرمایه عمل کرد. به ویژه بلوک شرق و دولتهای ضد کارگرش در آن چند دهه با ادعای دروغین "سوسیالیسم" به این وارونگی دامن زدند که گویا "منافع طبقه کارگر و محرومان جهان" را نمایندگی میکنند. کمونیسم بورژوازی و خرده بورژوازی قرن بیستم و شاخه های مختلف آن که خود زاده مستقیم و غیر مستقیم بلوک شرق بودند، مبلغ و توجیه کننده این وارونگی بودند. در تقابل با این وارونگی همواره تلاش مارکسیستی بربرجسته کردن حقیقت پایه ای دو قطبی ریشه ای در نظم سرمایه داری یعنی دو قطبی کار و سرمایه و دو قطبی فقر اکثریت عظیم جامعه و ثروت افسانه ای اقلیت انگل اجتماع پافشاری کرده اند. لذا و اکنون در بطن تحولات بزرگ جاری که دو باره از شکل دادن به قطب های جهانی صحبت میشود، باید یادآور شد به حکم شرایط عینی اجتماعی، دو قطبی کار و سرمایه، دو قطبی استثمارگر و استثمارشونده، دو قطبی رهایی یا اسارت، دو قطبی جدال و کشمکش طبقاتی به مثابه موتور محرکه تاریخ که مهر خود را بر همه شئون زندگی طبقه کارگر و بشریت کوبیده و تا مقطع برجیدن نظم وارونه سرمایه، دو قطبی اصلی جامعه بشری است. سرمایه داری وعده میداد اگر به حد اعلائی توسعه و گسترش جهانی خود برسد، اگر موانع نظم کهن و یا تقلائی دشمنان خود را از سر راه بردارد، رفاه و تعالی و سعادت بشر را تضمین میکند. به وضوح دیده شد که چنین نشد و چنین نیست.

بربریت کاپیتالیسم را هر روزه تجربه میکنیم!

نظم سرمایه داری نه تنها "رفاه و سعادت و تعالی بشر" را تأمین نکرده، بلکه بشریت را به مسیر قهقراپی و بی آینده سوق داده است. تأکید بر بربریت کاپیتالیستی مشابه دوره مارکس و لنین و حتی دو-سه دهه قبل صرفاً هشدار در مورد خطرات کارکرد سرمایه در آینده نیست. بربریت سرمایه داری همین امروز نه تنها در کشورهای استبداد زده خشن و متکی به کارآرزان، بلکه در آمریکا و اروپای صنعتی و پیشرفته سرمایه داری در آغاز قرن بیست و یکم و در دوره جهشهای خیره کننده تکنولوژی و انفورماتیک و دست یابی به هوش مصنوعی تجربه میکنیم. با نگاهی ساده به کارکرد سرمایه در غرب و در چین در چند قلمرو اجتماعی این واقعیت تلخ را در همین دوره شدت لمس میکنیم. از جمله: هیچ دوره ای از تاریخ سرمایه داری شدت استثمار به

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



خودکشی میتواند عوامل بسیار داشته باشد. اما در جامعه ی ایران جمهوری اسلامی و سیستم سیاسی موجود آن با تمام دم و دستگاهش یک عامل اصلی خودکشی میباشد. آمار دولتی در سنجش های بین المللی، ایران را در ردیف بالایی قرار داده است. اگر چه بطور واقعی در تحقیقات موسسات غیردولتی در ایران به کرات بر این نکته تاکید شده است که این آمار واقعی نیست و در مورد خودکشی کودکان آمار دقیقی وجود ندارد.

خودکشی کودکان در ایران، یک معضل اجتماعی!

پروین کابلی

سید محمد موسوی کودک ۱۱ ساله ای که در دوران پاندمی که آموزش درسی در ایران آنلاین شده بود، بدلیل نداشتن تلفن موبایل خودکشی کرد.*

این خبر دردناک بار دیگر موقعیت کودکان را در جوامعی مثل ایران که فقر و تنگدستی خانواده ها دامنگیر کودکان نیز میشود را به سرتیتر خبرهای روز تبدیل نمود و موقعیت کودکان فقر و بی حقوق را در جامعه ی ایران در مقابل چشمان ما قرار داد. مرگ محمد یازده ساله، تنها نوک کوه یخی است که گستردگی آن را نشان نمی دهد.

در ایران کودکان در نا امنی گسترده ای بسر می بردند. کودکان کار پدیده ای شناخته شده ای است که هر شهروند ایرانی روزانه هنگام عبور از خیابانها با آن روبرو می شود.

کودکان انتخاب نمیکند در چه خانواده ای بدنیا می آیند. دولت ها موظفند که رفاه، و آسایش کودکان را برای یک زندگی انسانی تضمین کنند و استاندار واحدی را برای همه کودکان فراهم نمایند. ایجاد امکان رفاهی برای کودکان باید به گونه ای باشد که همگی کودکان از یک استاندارد مناسب برای زیست، تحصیل و رشد را داشته باشند و بخاطر موقعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده و جامعه گرفتار ناهنجاری های روحی و اجتماعی نشوند.

این تنها فقر و عدم دسترسی به یک زندگی انسانی نیست که کودکان را به طرف مرگ می کشاند. فشار قوانین اسلامی بر کودکان، مانند عدم رعایت حجاب اسلامی، کودک همسری قانونی، تجاوز به کودکان (پسران و دختران)، مادر کودکان (کودکانه) که در سنین پایین مادر میشوند) عدم آموزشی انسانی منطبق با زمان و توانایی کودکان و تدریس عقب مانده ترین متون درسی، و بسیاری مسائل دیگر بطور واقعی به مانع رشد و بالندگی کودکان تبدیل شده است و زمینه را برای گسترش ناهنجاری های اجتماعی، روحی و روانی آماده میکند.

راه حل این مشکلات در قدم اول در گروه سرنگونی رژیم اسلامی قرار دارد. اما تلاش فعالین سیاسی و رهبران اجتماعی و کارگری برای مقابله کردن با سرپوش کشیدن بر این معضل و شناخت این پدیده از جایگاه مهمی برخوردار است. تلاش برای جامعه ای است که گرفتار سنت های عقب مانده و سکوت مقامات رژیم و چه بعضا خانواده ها باید باشد. نسل جوان ایران به چنین حمایتی بشدت احتیاج دارد. چرا که آینده در دست آنهاست.

آمار منتشر شده از منابع وابسته به دولت ایران نشان میدهد که ۶۸٪ کودکان زیر ۱۸ سالی که خودکشی کرده اند کودکان دختر میباشدند. خودکشی دختران در ایران به نسبت آمار کشورهای دیگر نادر است. موقعیت زنان و دختران در جامعه ی ایران، فشار قوانین آپارتاید جنسی یک علت اصلی بالا بودن خودکشی در میان زنان را بیان میکند. بعد از خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در ایران ما با فشار مضاعف پرسنل مدارس ایران برای کنترل دختران روبرو شدیم. خودکشی آرزو خاوری بدلیل فشار روانی مسئولین مدرسه به دلیل عدم رعایت حجاب اسلامی، یکی از موارد بسیار شناخته شده میباشد. آنچه که بر همگی عیان است بطور واقعی بر بسیاری از خودکشی ها چه بدلائل خانوادگی و غیره، آگاهانه از طرف رژیم ایران سرپوش گذاشته میشود و در آمارها قید نمیگردد.

*مدتی بعد از خودکشی سید محمد موسوی، جنازه ی برادر هفت ساله ای او در دریا پیدا شد.

۱۶ ژانویه ۲۰۲۵



”خودکشی های سیاسی” در ایران که ناشی از تجاوز و تعدی به زندانیان سیاسی، استفاده از داروهای مخرب برای اعتراف گیری از بازداشت شدگان، بویژه در میان جوانان معترض در اعتراضات خیابانی صورت میگیرد، هم پدیده ی ویژه ایران است که آمار آن هم معلوم نیست.

در یک گزارش تحقیقی منتشر شده در سایت (انگاره) از قول حمید پیروی، نایب رئیس جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران نقل شده است: (در سال ۱۴۰۱ که به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۷/۴ نفر خودکشی منجر به فوت در کشور رخ داده است؛ یعنی بیش از ۶ هزار نفر. حدود ۱۲۰ هزار نفر هم اقدام به خودکشی داشتند که در سامانه وزارت بهداشت ثبت رسمی شده است. «این آمار تنها پرائز بسیار کوچکی در مقابل پدیده ی سونامی خودکشی در ایران است که لایه های مختلف جامعه ایران بویژه تهیدستان را در بر میگیرد.

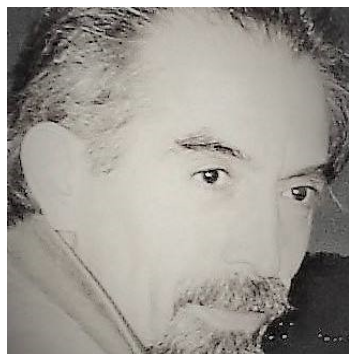
منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



راستگرایی جهانی و اعمال سیاستهای ریاضت اقتصادی شد و این علامت مهمی برای تشخیص بحرانهای لاینحل و تعمیق یافته و ضرورت گسترش جنگ و میلیتاریسم در اقصی نقاط جهان شد. اروپای متحد هر روز شکاف برمیدارد و قانون و دموکراسی توسط متولیانش رسماً به ریشخند گرفته میشود. پیروزمندان و شکست خوردگان هر دو در عقبه تاریخ خویش اند و در شبیور جنگ می دمند.

میزگرد کمونیست در باره تحولات جهان،

منطقه و ایران

سیاوش دانشور، ناصر مرادی، عبدالله دارابی

کمونست: دنیای امروز دستخوش تحولات مهمی است. فروپاشی رژیم اسد در سوریه در متن تحولات خاورمیانه و نقش تعدادی از کشورهای همسایه و جهانی آخرین آن بود. با قدرتگیری مجدد ترامپ و مسائلی که در هفته اخیر از جانب وی و تیمش مطرح شده از جمله؛ الحاق کانادا به آمریکا، تهدید اشغال جزیره گرین لند و کانال پاناما یا بحث خلیج مکزیک، بحث ختم فوری جنگ در اوکراین و غزه، اظهاراتش در مورد جمهوری اسلامی، به بحثهای مختلفی دامن زده است. خصوصیت مشترک این تحولات چیست؟ جهان به کدام سو می رود و آینده این وضعیت را چگونه می بینید؟

سیاوش دانشور: چهارچوبهای معرفه و مستقر نظام جهانی بعد از جنگ دوم در حال فروپاشی است. پس از جنگ جهانی دوم، دو بلوک اصلی جهانی شرق و غرب، یعنی ایالات متحده و شوروی، تقسیمبندی جهانی را به وجود آوردند. این تقسیمبندی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق در دهه نود، بهم ریخت. اما طولی نکشید که غرب "پیروز" خود دچار تنش و بحران هویتی شد و بحرانهایی که از قبل بازارهای تازه فتح شده برای مدتی به تعویق افتاده بود، خیلی سریع رُخ نشان داد. مهمترین آن بحران اقتصادی جهانی سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بود که ژورنالایسم غربی آنرا "سقوط دیوار برلین بازار آزاد" نامید. در این سالها روسیه کمر راست کرد، ناسیونالیسم روسی برای بازپسگیری مناطق نفوذ سابق و مواجهه با دست درازی ائتلاف دولتهای غربی و ناتو وارد اقدامات متعددی شد. جنگ پنج روزه با گرجستان که در پاسخ به اقدام دولت گرجستان در اوستیای جنوبی کلید خورد، نهایتاً به اشغال نظامی و الحاق مناطق اوستیای جنوبی و آبخازیا در اوت ۲۰۰۸ منجر شد. اشغال کریمه در ۲۰۱۴ مورد دیگر بود. حمله به اوکراین در ۲۰۲۲ و اشغال بخشی از آن تا دخالت در کشورهای بحران زده در خاورمیانه و تقابل مستمر با چهارچوبهای جهانی اقتصادی و سیاسی و نظامی حاکم را میتوان برشمرد. چین نیز با جنگ اقتصادی و رشد شتابان با پروژه های بزرگ و استراتژیک در موقعیت جدیدی قرار گرفته است و طی یکی دو دهه آتی اولین قدرت اقتصادی جهان خواهد بود. آمریکا هنوز یک قدرت اقتصادی بزرگ است اما تلاش داشت افول اقتصادیش را با میلیتاریسم و جنگ و قلدری نظامی تثبیت کند. آنچه که توسط تیم بوش پدر "نظم نوین جهانی" خوانده شد، به بی نظمی جهانی و تضعیف بیشتر آمریکا و در جاهایی شکست منجر شد. اوباما و جناح موسوم به گلوبالیستها قرار بود دوباره موقعیت آمریکا را در صحنه جهانی همراه با بقیه دولتهای بزرگ بعنوان "شریک" ابقاً کنند. اما آنها نیز بجائی نرسیدند. بموازات این روندها جهان دستخوش تغییرات مهمی شد. رقبا مشغول ایجاد ائتلافها و نهادهای دنیای بی لنگر روی آوار شکست "نظم نوین جهانی" شدند، انقلابات تکنولوژیک و عصر شرکتهای بین المللی و چند ملیتی که دولتها و سیاستهای "ملی" را بدنبال خود می کشید، تغییراتی که در نظام پولی و مالی و سازمان کار و چهارچوبهای سابق باخود به همراه آورد، مرزهای کشوری و هر چهارچوب ملی را مورد تردید و شکنندگی قرار داد. غرب "پیروز" دچار تنش و سکنه های متعدد و عدم انسجام بیش از پیش شد. بجای وعده عصر "صلح و رفاه"، پارلمان و دموکراسی قابله فاشیسم و

حال دونالد ترامپ بمتابه نماینده نیاز ایندوره سرمایه داری با پرچم (Make America great again) تلاش دارد در این کشمکش جهانی موقعیت آمریکا را بهبود بخشد و رهبری جهانی آمریکا را به رقیبا تحمیل کند. "مگا" همان "نظم نوین جهانی" سابق جورج بوش و رامسفیلد و چنی و شرکا است که اینبار تحت شرایط جدیدی مطرح و اولویتهای جدیدی را دنبال میکند. ترامپ و صفی از فاشیستهای متفرقه در اروپا که یکی بعد از دیگری از طرق مکانیزم دموکراسی و پارلمان بقدرت میرسند، جناح هاردلاینز بورژوازی در دوره بحران هستند. سیاستهای کمابیش یکسان و کلاسیکی دارند و میلیتاریسم و توسعه طلبی امپریالیستی برخلاف تبلیغات ناسیونالیستی وانزواگرایانه پروتکشنیستی یک خصوصیت مهم آنهاست. تفاوت این جناح با دموکراتهای گلوبالیست در ماهیت و جوهر نیست در روشها و برخی سیاستهاست. ادعاهای اخیر ترامپ در مورد جزیره گرینلند و کانال پاناما و خلیج مکزیک و یا کانادا تماماً جدید نیستند. ترامپ سال ۲۰۱۹ نیز بر خرید جزیره گرینلند بعنوان یک منطقه مهم دارای منابع حیاتی در قطب شمال تاکید کرده بود. حتی بحث خرید آن از دانمارک بارها طرح شده است و آمریکا از دوره جنگ سرد در آنجا پایگاه نظامی دارد که امروز در مواجهه با روسیه و چین این امر مهمتر ارزیابی میشود.

اما ماهیت این بحث امروز را باید در چهارچوب بازسازی نظم جهانی، رقابت و تنش میان قدرتهای بزرگ امپریالیستی، دسترسی به منابع استراتژیک و مناطق ژئواستراتژیک دید. گرینلند یک منطقه بکر با منابع بسیار مهم در قطب شمال است. بجز ذخایر زیاد نفت و گاز یک منبع مهم فلزات کمیاب و استراتژیک در تکنولوژی امروز است. نیکل، کوبالت، طلا، مس، آهن، کریولیت و اورتوسیت از آن جمله اند. نیکل برای ساخت باتریها و آلیاژهای مقاوم کاربرد دارد و بخشهایی از گرینلند دارای منابع زیادی نیکل است. کوبالت در تولید باتری های لیتیوم-یون کاربرد دارد که تقریباً کل تکنولوژی امروز به آن وابسته است. مس هم از جمله در صنایع الکترونیک یک نیاز اساسی است. به اینها باید منابع معدنی کمیاب که در اسمارت فون ها و تولیدات کامپیوتری نسل جدید کاربرد دارد را اضافه کرد. اینها تنها بخشی از امکانات گرینلند است. این جزیره یک منبع مهم آب شیرین است که ذوب شدن یخ ها آنرا فراهم کرده است. به منابع فوق، غذای دریایی و تولید انرژی تجدیدپذیر آبی و بادی را اضافه کنید.

اما تنها اهمیت این جزیره منابع نفتی و معدنی نیست. مسئله ذوب شدن یخ ها در قطب شمال و گرینلند، به مسیرهای جدید دریایی و

میزگرد کمونیست در باره تحولات جهان، ...

حمل و نقل و کشتیرانی امکان میدهد و همین توجه جدی قدرتهای جهانی را به این منطقه جلب کرده است. نزدیکی گرینلند به قطب شمال و موقعیت جغرافیایی و استراتژیک اقتصادی آن، هرگونه حضور قدرتمند در این منطقه را برای آمریکا و چین و روسیه اساسی میکند. چین فی الحال مشغول گسترش نفوذ خود و ایجاد زیرساخت ها برای استخراج منابع در مناطق قطب شمال و دسترسی به راههای دریایی و تجاری است. روسیه حضور قدیمی و قوی تری دارد و دارای تکنولوژی برتر است. برای آمریکا حضور در این منطقه و ایجاد یک بالانس قدرت از جهات نظامی و اقتصادی و سیاسی مهم و یک رکن مقابله با گسترش حضور رقبا است. اگرچه تنشها و رقابت‌های جاری و آتی می‌توانند به درگیری‌های محدود یا بحران‌های نظامی در مناطق دارای منابع طبیعی یا استراتژیک منجر شوند اما احتمال جنگ برسر این مناطق در شرایط کنونی غیر محتمل و پائین است.

در مورد وضعیت آینده شاید مقایسه آلاسکا با گرینلند قابل تأمل باشد. فروختن آلاسکا توسط روسیه به آمریکا در سال ۱۸۶۷ اگرچه در دوره متفاوتی روی داد، اما شباهت‌های زیادی دارد. آلاسکا هم دارای منابع فراوان استراتژیک و معدنی است. روسیه در آن زمان به دلایل اقتصادی و نظامی تصمیم به فروش آلاسکا گرفت و آمریکا هم برای تقویت موقعیت خود در آمریکای شمالی و دسترسی به منابع طبیعی آن معامله را صورت داد. امروز اما روسیه فهمیده که گنج بزرگی را از دست داده است. گرینلند فعلاً تحت حاکمیت دانمارک متحد آمریکا و عضو ناتو است و بحث اصلی مسئله استقلال آنست، در مورد آلاسکا این سوال وجود نداشت و زمانه هم فرق میکرد. ادعای ترامپ و تبدیل آن به واقعیت پیامدهای زیادی برای صف متحدان در بلوک غرب در پی خواهد داشت.

در مورد پیشنهاد ترامپ مبنی بر الحاق کانادا به عنوان "استان ۵۳" ایالات متحده، بیشتر به شوخی میماند. تأثیرات این سخنان در دیپلماسی بین المللی و روابط کشورها بحران زا است و ائتلافهای کنونی را با تنشهای عجیب روبرو میکند. زیر سوال بردن "استقلال" کشورها در معادلات دنیای کنونی، دادن چراغ سبز به هر دولتی است که دست به اشغال و توسعه طلبی بزند. در قاموس سیاست بین المللی این سخنان ترامپ دخالت در امور کشورها معنی میدهد و قبل از کانادا باید با دولت انگلستان یعنی نزدیکترین متحدش روبرو شود. کانادا هرچند بعنوان کشوری "مستقل" در نظام سلطنتی بریتانیا با ملکه به عنوان رئیس دولت است و در خیلی جنبه‌های تشریفاتی و غیر تشریفاتی از جمله در امور قضائی و برخی مراسم رسمی، نمادهای سلطنتی بریتانیا را حفظ کرده است. پیشنهاد ترامپ کانادا را "استان ۵۳" آمریکا نمیکند بلکه روابط آمریکا و بریتانیا را دچار بحران میکند. این سخنان شیپور از سر گشاد زدن است و اعلام پایان هر نوع استقلال فرمال کشورها و اعلام مشروعیت مداخله هر قدرتی علیه دیگری است.

در مورد خلیج مکزیک و کانال پاناما هم همین نکات کلیدی مطرح اند و از جمله مناطقی هستند که در آنها مباحث حاکمیت کشورهای مکزیک و پاناما، مسائل ژئوپلیتیک و استراتژی‌های اقتصادی جهانی با اعمال فشارهای فوق برنامه یا دخالت نظامی میتوانند محل تنش و بحران باشند. خلیج مکزیک هم یک منطقه استراتژیک برای تولید نفت

و گاز است و به اینها مسائل امنیتی و نظامی را باید افزود. اهمیت این مناطق در درجه اول موقعیت جغرافیایی و نقش حیاتی آنها در تجارت جهانی است. بخش‌های زیادی از ساحل خلیج مکزیک غنی از منابع نفتی و گازی است. به همین دلیل، این منطقه برای ایالات متحده و سایر کشورها، از جمله شرکت‌های بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحولات سیاسی در این کشورها همواره روی کنترل برای این مناطق تعیین کننده متمرکز بوده است. اهمیت خلیج مکزیک برای کشورهای آمریکای شمالی و مرکزی، به‌ویژه برای ایالات متحده و مکزیک، به دلیل منابع طبیعی، مسیرهای تجاری و اهمیت استراتژیک در زمینه انرژی است. بندرهای خلیج مکزیک بویژه در ایالات متحده به عنوان دروازه‌های اصلی تجارت و صادرات نفت و گاز در جهان شناخته می‌شوند.

کانال پاناما جایی است که دو اقیانوس آرام و اطلس را مرتبط میکند و به این اعتبار یکی از مهم ترین پروژه‌های استراتژیک جهان و از مهم ترین کریدورهای تجارت جهانی بین شرق و غرب است. کانال پاناما برای تجارت بین المللی دریائی نظر به کاهش زمان مقرون بصره و برای کشورهای مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است. همینطور این کانال اهمیت نظامی دارد. در دوران جنگها همین مسیر ارتباطی برای نقل و انتقال نیرو و تجهیزات و ناوها در زمان کمتر حیاتی بوده است. به همین دلایل "استقلال" پاناما و حق حاکمیت این کشور بر این کانال، موجب نشده که کمافی السابقت این منطقه تحت نظارت شدید قدرت‌های بزرگ قرار نداشته باشد. آمریکا، روسیه و چین و کشورهای اروپائی همه در تلاشند از طریق سرمایه گذاری و ایجاد زیرساختها کنترل و نفوذ خود را بر این کانال گسترش دهند.

در مورد تحولات در سوریه و انتقال قدرت در آن بیانیه حزب مورخ ۱۲ دسامبر به اهم نکات پرداخته است. اینجا میتوان اضافه کرد که وضعیت در سوریه ناپایدار است. همین چند روز پیش در دمشق مردم معترض را در مسجد به گلوله بستند و تعداد نامعلومی زیر دست و پا جان دادند. دولتها در تلاش برای تحمیل شرایط خود برای دفاع از حاکمیت تروریستهای تحریرالاشام هستند. خطری که روز به روز بیشتر خود را نشان میدهد، عروج مجدد داعش از دل این جریان در سوریه و از دل طالبان در افغانستان است. جریان سلفی و اخوانی از نیروهائی است که آمریکا و اسرائیل و دول منطقه با آن در معادلات سیاسی بازی میکنند. خطری که در ایران هم نباید از چشم دور بماند.

انعقاد قرارداد "صلح" اخیر بین اسرائیل و حماس تحت فشار افکار عمومی جهانی و همینطور با اصرار تیم ترامپ برای آزادی گروگانهای زنده مانده و دفع فشار از روی سر نتانیا هو است تا راهی برای جلوگیری از تداوم کشتار مردم فلسطین و یا ارائه راه حلی برای مسئله و زخم کهنه فلسطین. این اقدام بیشتر برای قدرتمندی ترامپ قبل از آغاز کارش در کاخ سفید و مقدمه پروژه "نظم نوین خاورمیانه" است. دفع پایگاه های اسلام سیاسی پرو جمهوری اسلامی در عراق و یمن و اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای تسلیم اجزای دیگر این پروژه است. ختم جنگ در اوکراین هم با تسلیم برخی مناطق به روسیه و معامله ای با پوتین قدم دیگری برای تمرکز آمریکا روی مسائل استراتژیک تر کشمکش و رقابت با چین است. صحنه های امروز دنیا گوشه هائی از بازسازی نظم جهانی فرتوت بعد از جنگ دوم است و آمریکا تلاش دارد در این نبرد جایگاه و موقعیت خود را بازسازی کند. جنگ در اوکراین و خاورمیانه و شرق آسیا جلوه هائی از تداوم رقابت جهانی قطبهای سرمایه بعد از پایان جنگ سرد است که مفتوح مانده اند و دنیای جدید بربریت



چرا چون بخش مهمی از خود رژیم، عادی‌سازی روابط با آمریکا را به‌عنوان مرگ و نابودی خود نگاه می‌کنند. به این دلیل ساده که ضدآمریکایی‌گری در تبلیغات و پروپاگاندا ۴۵ ساله بخش مهمی از هویت سیاسی رژیم چه در داخل ایران و چه در منطقه بوده است. اظهارات و سخنرانی‌های اخیر خامنه‌ای دال بر ادامه همین روند است. البته موضع رژیم ایران در طول زمان و

کشمکش و رویارویی‌ها دچار تغییر شده است. نظرات خامنه‌ای و بیت رهبری، بنا به تناسب جناح‌ها و بحران‌های فزاینده اقتصادی و فلج سیاسی گاه‌تعدیل شده است. خامنه‌ای و نظام اسلامی وقتی دیده‌اند و می‌بینند مردم ایران، در کمین به زیر کشیدن رژیم نشسته و چشم به نابودی‌اش دوخته‌اند و سرنگونی به خواست و مبارزه روزانه مردم تبدیل شده، سیاست "نرمش قهرمانانه" و محاسبات سیاسی برای ادامه بقا و چانه‌زنی را برگزیده‌اند.

اما جدال اصلی در جامعه ایران فراتر از رابطه ایران و آمریکا است. جدال اصلی در جامعه ایران مبارزه مردم آزادی‌خواه با استبداد و ارتجاع و اسلام در همه اشکال آن است. در ایران صف کارگران، صف بازنشستگان، صف فرهنگیان، صف پرستاران و صف نسل جوان و زنان آزاده، صف آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی در مقابل ارتجاع را می‌بینیم که با استبداد و اختناق و سرکوب روزانه درگیر مبارزه هستند و تلاش برای سرنگونی رژیم را به اولویت سیاست تبدیل کرده‌اند.

این بار به حکم شرایط عینی بحران اقتصادی، تورم شدید و گسترده، گرانی سرسام‌آور کالاهای مورد نیاز روزانه مردم، بحران حامل‌های انرژی شامل قطعی برق و گاز و زمزمه بالابردن قیمت بنزین و غیره به اضافه استبداد و اختناق و توحش علنی به منظور ارباب، جایی برای تمکین مردم به رژیم و حکومت و تسلیم‌شدن نگذاشته است، برعکس خشم مردم کارگر و زحمت‌کش و نسل جوان را چند ده برابر کرده است. مردم ایران دیگر نه تنها از جو وحشت و ارباب‌نمی‌ترسند؛ بلکه برای در هم کوبیدن و سرنگونی رژیم اسلامی و دستگاه سرکوب این رژیم به میدان می‌آیند. جمهوری اسلامی از دل این بحران‌ها جان سالم به در نمی‌برد.

کمونیسست: با فروپاشی حکومت بشار اسد و در قدرت قرار گرفتن هیئت تحریر شام، موجب تغییراتی در سوریه خواهد شد. کردستان سوریه و احزاب مسلح اپوزیسیون در اداره این مناطق با شرایط و موقعیت سخت تری روبرو هستند. ترکیه یکی از کشورهای است که در اعمال فشار بر نیروهای سوریه دمکراتیک و تغییر و تحولات در این منطقه نقش بازی میکند. تاثیر این پارامترها در سرنوشت مناطق کردنشین را چگونه می‌بینید؟

عبداله دارابی: پاسخ به این سؤال را، باید قبل از هر چیز در بطن اوضاع و احوال امروز جهان و منطقه جستجو کرد بعد به سراغ خود سوریه رفت و ناهنجاری سیاسی و اجتماعی درون آنرا از نظر گذرانند. با تکیه بر آن، به چگونگی و بازیابی حق و حقوق اولیه جامعه سوریه، آینده ناروشن کارگران و مردم تهیدست و اقلیت‌های قومی که با زور و اجحاف ده‌ها ساله دولتهای حاکم بر آنها تحمیل شده است، پرداخت و آنرا مورد بررسی قرار داد. اگر به صورت اجمالی بحران عمیق

میزگرد کمونیسست در باره تحولات جهان، ...

بورژوائی قرار است در متن این رقابتها و جنگها حدادی و بازسازی شود. این ویژگی عام این تحولات از منظر طبقات حاکم و بربریت کاپیتالیستی است. اما این نتیجه محتوم جهان نیست، دنیا بسیار ترامپ و نتانیاهو و بدتر از آنها بخود دیده است، دنیا میتواند با عروج طبقه کارگر و مردمی که قربانی جنگ و جدال ارتجاع بورژوائی اند در جهت آرزوها و امیال آزادیخواهانه بشری تغییر کند. دنیای امروز بیش از هر زمان به کمونیسست نیاز دارد.

کمونیسست: جمهوری اسلامی تقریباً تمام متحدین خود که بنام "محور مقاومت" شناخته میشد را از دست داده است. ترامپ چند روز دیگر به کاخ سفید خواهد رفت و اعمال سختگیری و محدودیتهایی نسبت به جمهوری اسلامی ممکن است. جمهوری اسلامی به هیچ لحاظ در وضعیت خوبی نیست، در داخل با اعتراض، نارضایتی و نفرت عمیق مردم روبروست. نظر شما در رابطه با این وضعیت و تاثیر این تحولات بر جمهوری اسلامی چیست؟ چشم انداز آینده چیست؟

ناصر مرادی: دقیقاً در این شرایط رژیم اسلامی ایران بیشتر از همه قافیه را باخته است. اعتبار جمهوری اسلامی در جهان اسلامشان و در میان محور مقاومت و نیروهای نیابتی‌شان فروریخته است. اینها فکر می‌کردند بعد از حمله تروریستی ۷ اکتبر حماس ماجرا به سرعت به نفع نیروهای نیابتی و تروریسم اسلامی فیصله پیدا می‌کند. اما روند رویدادها و حمله وحشیانه و بمباران وسیع و کشتار گسترده دولت اسرائیل به رهبری جنایت‌کاری مثل نتانیاهو و پشتیبانی سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا و متحدین اروپایی این روند آن‌طور که آنها فکر می‌کردند پیش نرفت. جنگ با حماس و حزب‌الله، همزمان رژیم اسلامی ایران، حزب‌الله و حماس، رژیم بشار اسد و نیروهای جمهوری اسلامی مستقر در سوریه نه تنها شکست را قبول کردند، بلکه قدرت بسیج دوباره را در خاورمیانه از دست دادند.

این اوضاع با راهیافتن دوباره ترامپ به کاخ سفید و زمامداری او بر دولت آمریکا، رابطه جمهوری اسلامی و آمریکا به رهبری ترامپ وارد دوره پرفراز و نشیبی می‌شود. به این خاطر که رابطه ایران و آمریکا صرفاً یک رابطه دیپلماتیک یا یک مسئله در حیطه سیاست خارجی نیست. موقعیت رژیم ایران در قبال مسئله فلسطین، رابطه عملی و سیاسی رژیم ایران با احزاب و گروه‌های تروریست اسلامی در خاورمیانه، مسئله دستیابی به سلاح هسته‌ای و ساخت موشک‌های دوربرد، همگی از اهم مسائلی هستند که مسئله رابطه ایران و آمریکا به آن گره خورده اند.

ترامپ و دولت جدید آمریکا در همکاری و تلاش با متحدین اروپایی سعی در رام کردن رژیم اسلامی دارند. دست کشیدن از حمایت از بقایای نیروهای نیابتی، رضایت به عدول از برنامه هسته‌ای و محدودکردن برنامه گسترش موشک‌های دوربرد و تسلیم‌شدن در مقابل بخش بزرگی از این خواسته‌ها هدف دولتهای آمریکا و غرب است. در غیر این صورت اعمال تحریم‌های بیشتر و در نهایت اعمال مکانیزم ماشه و برگرداندن تحریم‌های فلج‌کننده سازمان ملل قبل از توافق برجام در انتظار است. قبول این شرایط از طرف رژیم اسلامی، خواسته یا ناخواسته ناقوس مرگ رژیم را به صدا در می‌آورد.

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



دیار وارد کرده و بدینوسیله مردم را با زندگی بسیار ناامن و پر مشقت مواجه کرده است. در تداوم حملات تکنونی نیروهای دولتی ترکیه به شهر و روستا های منطقه عفرین، بخش قابل توجهی از زمین های زراعتی و باغ های زیتون هنگفتی که تنها منبع و منشأ معیشتی تأمین زندگی آنها را تشکیل میداد، هم اکنون به جولانگاه تانک و خودرو زرهی

دولت ترکیه و جیره خواران شان تبدیل شده و بهره برداری از آنها از صاحبان اصلی اش منع کرده اند. مضاف بر آن، بدنبال سقوط رژیم بشار اسد، تاخت و تاز نیروهای ترکیه در این منطقه بشدت افزایش یافته و از روی طمع به قصد تصاحب بخشی از این سرزمین، بر تعرضات نظامی همه جانبه خود افزوده تا بخیال واهی خود به صورت مادام العمر به آن سرزمین دست یابند. ولی علیرغم همه اینها، نیروهای دولت ترکیه تا کنون نه تنها به اهداف خیالی شان دست نیافته اند بلکه تعرضات شان با تلفات بیشتری سد شده و سرانجام تعرضات شان به آتش بس و حالت سکون مواجه گشته است.

میزگرد کمونیست در باره تحولات جهان،

اقتصادی توأم با یک آشفتگی و درهم ریختگی سیاسی نظام سرمایه داری امروز جهان را از نظر بگذرانیم آنگاه براحتی خواهیم دید که تأثیرات مخرب ناشی از آن، زندگی اکثریت مردم جهان از جمله کارگران و زحمتکشان را با چنان فقر و فلاکتی روبرو ساخته که نظیر آن تا کنون در این ابعاد بزرگ هیچ جا یافت نشده است. حاکمان نظم موجود سرمایه داری تا این لحظه، برای برون رفت از این وضعیت ناهنجار، هیچ راه کار سازنده ای غیر جنگ و کشتار و خونریزی، ویرانگری و آوارگی میلیونی و فقر و نداری سر سام آور از خود نشان نداده اند. اما در بطن همین بلبشو و همین بی نظمی جهانی، براحتی می بینید که، عده قلیلی از سرمایه داران امکان یافته اند تا سهل و آسان ثروت عظیم و نجومی که حد و حدود اش قابل تصور نیست را، برای خود کسب و فراهم کنند و بلامانع روی آن لم دهند. به یمن شرایط موجود، در حال حاضر ترکش های جنگی در نقاطی از جهان از جمله جنگ ویرانگر روسیه و اوکراین، جنگ گسترده و تپا کننده در خاورمیانه بویژه کشتار جمعی مردم بی دفاع غزه، و از هم گسیختگی و فروپاشیدگی شیرازه جامعه سوریه و... جاری است. هر کدام نمونه هایی بارز و محصل غیرقابل انکار این شرایط هستند که اتفاق افتاده و هنوز هم پایان و ختم کامل آن برای هیچ کسی و هیچ دولتی قطعی و مسلم نیست.

جا دارد مجدداً تأکید شود که در بستر همچون اوضاع و احوال است که حاکمان جهانی و منطقه ای سرمایه می توانند شیرازه جامعه سوریه را براحتی در هم بپاشند و به آسانی یک تروریست آدمکش شناخته شده و معرفه که خود آمریکا برای کشتن اش حکم جایزه ده میلیونی صادر کرده بود را بدون هیچ دردسر و هیچ رجوعی به مردم سوریه، بدون دغدغه و نگرانی رو کرده مردم سوریه سوار کنند، و آنرا جایگزین یک رژیم کهنه کار جانی و فاسد و آدمکش قرار دهند و برایش مشروعیت بخرند.

با توجه به نکات فوق الذکر، سوریه امروز و احزاب و جریانات موجود در آن با گذشته فرق کرده است. حاکمیت جدید در سوریه هنوز معلق و تثبیت نشده است، چون از جنس مردم نیست و از بالای سر مردم آنها به جامعه رنج دیده سوریه تحمیل کرده اند. بهمین خاطر، در برون و درون سوریه، هنوز زورآزمایی های معینی میان احزاب و دولتهای همسایه بمنظور تحکیم موقعیت خودشان در سوریه، در حال جولان است که مشخص ترین و مدعی ترین آنها دولت ترکیه است که خیلی وقته با چشم طمع به کشور سوریه نگاه میکند و باز نیز به صورت علنی از راه زمین و هوا علیه مردم کورد سوریه میجنگد و تاکنون به بهانه قدرت محلی کوردها در سوریه، بخش قابل توجهی از خاک آنها تصرف کرده است. با توجه به آن، در این رابطه مشخص، حزب ما با هرگونه اقدام و اعمال خصمانه دولت ترکیه علیه مردم کردستان سوریه، بویژه اشغال کردن بخشی از شهر و روستاهای شمال کردستان سوریه، مخالف است و آنها قویا محکوم میکند و خواهان تخلیه آنها و بازگشت فوری نیروهای نظامی ترکیه به مرزهای بین المللی خودش است.

چون اجرای حملات متناوب تکنونی نیروی نظامی ترکیه، علیه مردم غیر نظامی کردستان سوریه، برهیچ کسی پوشیده نیست و همه به آن ادعان دارند که تاکنون خسارات جانی و مالی زیادی را به ساکنین آن

در برابر یاهو گویی های پزشکین و کاظمی؛ تشکل یابی و مبارزات پیگیر!

فاطمه عسکری

به صراحت باید گفت امثال پزشکین و وزیر آموزش و پرورش دشمن اصلی آموزش، پیشرفت و ترقی سیستم آموزشی و دشمن درجه یک معلمان و تشکل های مستقل شان هستند و تنها با مبارزات در قالب تشکل های مستقل فرهنگیان ابتدا در راستای برآوردن حداقل ترین خواست های سلب شده و در ادامه در جهت ارتقا سیستم آموزشی و به روز رسانی آن منطبق بر استانداردهای جهانی آن هم از طریق مبارزه به رادیکالترین شکل آن در مدارس و کف خیابان است که میتواند محقق شود، نه از طریق باور کردن شعارها و یا مذاکرات به روش نهادهای پرو رژیم و یا مطالبه گری از حکومت همانند جریان ۲ خردادی.

قطعا خواست جامعه و معلمان و دانش آموزان سرنگونی جمهوری اسلامی است، اما در شرایط و باتوجه به مختصات کنونی برای محقق شدن خواست های طبقاتی، معیشتی و کلان و همچنین در راستای ارتقا سیستم آموزشی، تقویت تشکل یابی در سطح سراسری است که میتواند خواست های معلمان و فرهنگیان شاغل و بازنشسته را گام به گام محقق ساخته و گام بجلوی مبارزاتی را با اهداف کلان همراستا با مبارزات طبقه کارگر محقق سازد.

16 ژانویه 2025

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

هر آنچه که در توان داریم برای به زانو درآوردن این جانان انجام دهیم. رژیم اسلامی امروز بیشتر از هر زمانی مستاصل و درمانده است. اجازه ندهید یک رژیم در حال اضمحلال که هر روز با چالش جدیدی روبروست در این اوضاع وخامت بار با گرفتن جان عزیز پخشانی عزیز و وریشه مرادی قدرت نداشته خود را در مقابل شما مردم معترض به نمایش بگذارد.

مرگ بر جمهوری اسلامی

نه به اعدام

اعدام قتل عمد دولتی است!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۶ دیماه ۱۴۰۳

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در رابطه با حکم اعدام پخشانی عزیز

**جواب در خور یک جامعه در حال انفجار، امروز در مقابل استانداری
جمهوری اسلامی در سنندج!**

جمهوری اسلامی سالهاست از اعدام بعنوان ترفندی جهت ارباب و ایجاد وحشت در جامعه استفاده میکند. از اعدامهای خلخالی در فرودگاه سنندج ۴۵ سال پیش تا احکام وحشیانه اعدام در این روزها وسیله ای در جهت به تسلیم واداشتن جامعه ای سراپا خشم و اعتراض.

بعد از خیزش انقلابی ۱۴۰۱ تعداد اعدام ها به اوج خود رسید. به هر بهانه تعدادی را به سلولهای انفرادی منتقل کردند و با حکم غیر انسانی و وحشیانه اعدام، جان عزیزشان را گرفتند. این روزها که جمهوری اسلامی بیشتر از هر زمانی در مشکلات اقتصادی و اجتماعی غیر قابل علاج دست و پا میزند و در موقعیتی به مراتب ضعیف تر از هر زمان قرار دارد یکبار دیگر بطرز بیسابقه ای دست به قتل و اعدام زندانیان در بند زد. احکام صادره برای پخشانی عزیز، وریشه مرادی و مجاهد کورکور آخرین نمایش دست و پا زدن و انتقامجویی سرکوبگران جمهوری اسلامی است.

پخشانی عزیز تنها "جرمی" که در پرونده دارد کمک به مجروحین و زنان و کودکان اسیر شده بدست داعش اسلامی است. او به عنوان مددکار اجتماعی به کمک مردمی شناخت که هیچ امکانی و مفری برای حفاظت از خود نداشتند. پخشانی به قربانیان داعش خدمات انسانی و درمانی رساند و در آن روزهای تلخ و طاقت فرسا مرهمی بر زخم هایشان بود. پخشانی از حملات داعش جان سالم بدر برد اما توسط داعش جمهوری اسلامی دستگیر و حکم مرگ گرفته است.

مجمع جانان جمهوری اسلامی "دیوان عالی کشور" که کارش مهر تایید بر حکم قتل عمد دولتی مصوب قضات جانی و آمکش قوه قضایی است حکم اعدام پخشانی را تایید کرده. جمهوری اسلامی با سرکوب و اعمال خشونت در همه عرصه ها میخواد مردم خشمگین و معترض به کلیت جمهوری اسلامی را از صحنه خارج کند. مردم اما با قدرت در مقابل قتل عمد دولتی و گرفتن جان انسانهای در بند به میدان آمده و خواهان لغو حکم اعدام بطور کلی هستند.

مردم معترض به کلیت جمهوری اسلامی و مخالف اعدام با سه شنبه های اعتراضی از زندان ها تا اعتراض وسیع علیه حکم اعدام پخشانی عزیز با صدور بیانیه، جمع آوری امضا و تجمع امروز زنان مبارز و شجاع سنندج در مقابل استانداری این شهر به حکم اعدام پخشانی عزیز و وریشه مرادی اعتراض کردند و شجاعانه و با صدای رسا خواهان لغو این احکام شدند. این جواب و تقابل یک جامعه معترض و خشمگین به جانان جمهوری اسلامی است. مردم نمیترسند و قصد خاموشی و سکوت در مقابل این حربه کثیف را ندارند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به حاضرین در تجمع امروز سنندج درود میفرستد و مردم آزادیخواه و انقلابی را فرا میخواند دست از مبارزه علیه حکم اعدام برندارند و با حضور خود در میدان و ادامه اعتراضات و پافشاری بر درخواست لغو حکم اعدام پخشانی و وریشه، رژیم در حال احتضار را وادار به عقب نشینی کنند.

نه به اعدام پخشانی عزیز و وریشه مرادی

آکسیون اعتراضی در استکهلم

ساعت ۱۳:۳۰ - ۱۴:۳۰
یکشنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵
مکان: سلوسن
Slussens T-banans



شورای نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، حزب کمونیست ایران،
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست



زنده باد همبستگی جهانی کارگران!



افراد ذی نفوذی مانند محسن رضایی بدل شده است.

اظهارات اخیر رئیس‌جمهور در بازدید از دبیرستان ماندگار البرز درباره تحول در نظام آموزشی کشور، نیازمند بررسی عمیق است. وی با تأکید بر تغییر

روش‌های معلم‌محور به آموزش‌های کارگروهی و تجهیز کلاس‌ها به فناوری‌های نوین گفت: «دانش‌آموزان باید توانایی حل مسئله، کار گروهی و غلبه بر موانع را بیاموزند.»

نسبت به شعارها و یاوه‌گویی‌های پزشک‌ها باید گفت؛ شما مگر به قول خودتان در تأمین حقوق حداقلی معیشتی معلمان بهانه بودجه را پیش

نمی‌کشیدید؟! مگر سیاست‌های شوک درمانی شما موجب فقر مضاعف عموم جامعه نشده است؟! مگر رویکرد شما و وزارت آموزش و پرورش تاکنون حتی یک قدم در جهت برطرف کردن حداقل نیازهای سیستم آموزشی برداشته است که چنین نسخه غیرواقعی برای دانش‌آموزان و فضای آموزشی می‌پیچید؟!

پزشک‌ها در حالی از استقرار سیستم و فناوری نوین و کارگروه‌های آن سخن می‌گویند که دانش‌آموزان مناطقی همچون سیستان و بلوچستان در کبر، روستاهایی در فضای باز و آن هم با پایه‌های محدود درس می‌خوانند. این چرندگویی در حالیست که حکومت اسلامی و آموزش و پرورش آن نمی‌خواهد حتی هزینه صرف ساخت مدارس در سطح حداقلی کند و شاهد برگزاری کلاس‌ها با ظرفیت‌های چند برابر نسبت به گنجایش هر کلاس درس حتی در شهرهای بزرگ هستیم.

در چنین شرایطی آیا تحول در نظام آموزشی آن هم با شعارهای پزشک‌ها چیزی به جز فریب و یاوه‌گویی نیست؟! این در حالیست که انگل زادگان امثال پزشک‌ها در استاندارهایی متفاوت نسبت به بیش از ۹۰ درصد دانش‌آموزان کل کشور تحصیل می‌کنند.

پزشک‌ها و یا کاظمی بعنوان ریاست جمهوری و وزیر آموزش و پرورش که عوامل تداوم سرکوب معلمان آزادیخواه و حق‌طلبی که خواهان ارتقا سطح آموزش، استاندارد شدن فضای آموزشی، برچیده شدن تبعیضات طبقاتی و ایدئولوژی در آموزش و انطباق آموزش با سیستم جهانی بودند، حق ندارند تبلیغ ایجاد فناوری آموزش کنند.

تحول آموزشی، ابتدا باید بر محوریت توانمندسازی معلمان استوار باشد. نادیده گرفتن نقش معلمان در فرایند آموزش نه تنها ممکن نیست بلکه به کیفیت آموزش آسیب می‌زند. چنین محوری طبیعتاً اولویت جمهوری اسلامی و آموزش و پرورش اش نبوده و نیست، بلکه اولویتشان بر پایه پولیسازی در آموزش، تحمیل آپارتاید جنسی و دینی در مدارس و دانشگاه و تبلیغ سیاست‌های رژیم اسلامی است..

لازمه استفاده از تجهیزات آموزشی از همه بیشتر انگیزه را می‌طلبد. همانطور که اشاره شد با توجه به فقر طبقاتی موجود در سطح کل کشور و عدم برخورداری اکثریت خانوادها از رفاه معیشتی حداقلی و تداوم روند پولی سازی آموزش و بخصوص وجود برنامه‌های ایدئولوژیک در مدارس شرایط روحی خوبی که این انگیزه را به آنان بدهد را از بین برده است.

۸ صفحه

در برابر یاوه‌گویی‌های پزشک‌ها و کاظمی؛ تشکل یابی و مبارزات پیگیر!

فاطمه عسکری

در طول ۵ سال گذشته بیش از پنج میلیون دانش‌آموز بدلیل فقر و نداری از تحصیل بازمانده‌اند در همین شرایط است که علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش عامل ترک تحصیل را خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌دانند و مسعود پزشک‌ها از لزوم تحول در نظام آموزشی کشور صحبت کرده و طبل توخالی می‌زند.

در پاسخ به وزیر، آمارها نشان می‌دهد بیش از ۹۰۰ هزار دانش‌آموز به ویژه در مناطق محروم، فقط در طی کمتر از یکسال به دلیل مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، هزینه‌های سنگین ثبت نام و نبود امکانات و فضای آموزشی ترک تحصیل کرده‌اند.

بیانید به چند عامل ترک تحصیل بصورت ساده بنگریم!

در اکثر روستاهای دور افتاده و یا مناطق محروم با توجه به نبود فضای آموزشی، دانش‌آموز بدلیل نبود پایه بالاتر یا مجبور است همان پایه را تکرار بخواند یا ترک تحصیل کند و به دلیل فقر و مشکلات مالی خود و خانواده اش پس از ترک تحصیل عملاً به کودک کار بدل شود.

به واسطه تحمیل و ترویج فرهنگ عقب افتاده اسلامی در بخشی از جامعه و سازماندهی کردن امکانات مختلف جهت به رسمیت شناختن ازدواج کودکان که چیزی جز تجاوز سیستماتیک به دختران نیست، شاهد ترک تحصیل دختران کم سن و سال بخاطر ازدواج هستیم. فلاکتی که موجب خودکشی موارد بسیاری از همین دانش‌آموزان را سبب شده است. ازدواجی که عامل و بانی آن حکومت زن‌ستیز با قوانین عقب مانده اسلام‌شریعه دست در دست ایدئولوگ‌های آموزش و پرورش هر روزه امر ازدواج در سنین کوچک و معرفی زن بعنوان مادر در خانه را حتی در مدارس تبلیغ می‌کند.

علاوه بر مشکلات اقتصادی و ساختاری، تحمیل ایدئولوژی جمهوری اسلامی در آموزش و تداوم سرکوبگری در سطح مدارس روحیه و انگیزه دانش‌آموزان را در جهت پیشرفت تحصیلی تضعیف کرده است و حتی به عامل ترک تحصیل نیز بدل شده است.

ضعیف کنونی آمارهای خودکشی و ترک تحصیل دانش‌آموزان که عامل اصلی آن حکومت اسلامی و سیاست‌های آن در قبال علم و آموزش و اهداف ایدئولوژیک و اقتصادی در سیستم آموزشی کشور است، نه تنها مورد نقد و اعتراض معلمان بوده بلکه توجه نهادهای بورژوازی آموزش در جهان را نیز به خود جلب کرده و حتی موجب اعتراض نیز شده است.

این سیاست‌ها با سرکوب خلاقیت، ایجاد افسردگی و نگرانی از آینده‌ای مبهم، نبود حقوق انسانی و آزادی فردی دانش‌آموزان را به هر شکل ممکن نقض می‌کند. نمونه بارز این تحمیل ایدئولوژی، اعزام دانش‌آموزان به اردوهای تحت عنوان "راهیان نور" است که با تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حقوق کودک در تضاد است.

لازم به ذکر است که "راهیان نور" با ایجاد مراکز به اصلاح رفاهی از جمله؛ رستوران و مراکز استراحتی و غیره به بنگاهی سودآور برای

اعدام قتل عمد دولتی است!



امروز دیگر رسانه‌ها و سیاستمداران و سخنگویان بورژوازی آمریکا و مولفینش خود رسماً اعلام میکنند که برخلاف تمامی تبلیغات تاکتونی و تمام عوامفریبی‌ها و تحریکاتشان در مورد حق حاکمیت کویت، جدال دموکراسی و دیکتاتوری و دفاع از موازین حقوق بین‌الملل و غیره، اشغال کویت توسط عراق جز بهانه‌ای برای شکل دادن به یک "نظم نوین" امپریالیستی بدنبال سقوط بلوک شرق نبوده است. هزاران تن بمبی که هر

ساعت بر سر مردم زحمتکش یک کشور ریخته میشود راه این نظم نوین را هموار میکند. امروز هرکس که اندک شناختی از تاریخ سرمایه‌داری و سابقه امپریالیسم و میلیتاریسم داشته باشد عروج دور جدیدی سلطه طلبی و تجاوزگری آشکار قدرتهای امپریالیستی را در پس این جنگ به روشنی میبیند. دنیای پس از جنگ سرد و تعادل جدیدی که قرار است بدنبال حذف بلوک شوروی از صحنه برقرار شود دارد در دل این جنگ تعریف میشود. چند و چون این نظم نوین را، از اجساد انسانهای بیگانه‌ای که مسیر تاکتونی آن را پوشانده است بخوبی میتوان دریافت. مسئولیت اشغال کویت و مصائب ناشی از آن با عراق است. اما جنگ امروز دیگر تماماً محصول آمریکا و سلطه جویی جهانی ابر قدرتی است که به زعم خود فرصتی برای جلوگیری از اضمحلال و افول خود در برابر واقعیات دنیای معاصر پیدا کرده است.

بحران و جنگ در خاورمیانه صحنه دیگری برای نمایش ریاکاری سرمایه‌داری و سیاستمداران و رسانه‌های آن بوده است. حقایق این سلطه طلبی آشکار را از مردم پنهان داشتند. جهان را در مدت کوتاهی برای این مردم کشی آماده کردند. دولتهایی که هر روز دست نوازش بر سر اسرائیل و جنایاتش علیه مردم فلسطین میکشند و رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی را زیر چتر حمایت خود قرار داده‌اند، اشغالگران گرانادا و پاناما، مسببین نسل کشی در ویتنام و تنها بکارگیرندگان بمب اتم علیه مردم در تاریخ بشر بناگاه مدافع انسانیت و حقوق بین‌المللی از آب درآمدند. به اسم مقابله با تجاوز عظیم‌ترین تجاوز نظامی تاریخ معاصر را سازمان دادند. به اسم مقابله با دیکتاتوری دهها هزار تن بمب بر سر مردم زحمتکش عراق ریختند. به اسم نابودی سلاحهای کشتار جمعی میلیونها انسان بیگانه را به خاک و خون کشیدند. مدرن‌ترین و مخرب‌ترین سیستم‌های موشکی و بمبهای هدایت شونده تبدیل کردند.

این جنگ جنگی علیه بشریت است. علیه هر جلوه‌ای از تمدن و آزادی و پیشرفت. این جنگی پیشگیرانه است علیه بشریت کارگر و بیحقوقی که از رخت دهه هشتاد بیرون میاید. این جنگی است علیه همه کسانی که در فروپاشی نظم امپریالیستی پیشین جهان راهی برای آزادی و برابری و انسانیت جستجو میکنند. این جنگ یش پرده سرکوبهای فرادست. این جنگ اولتیماتومی است که معماران نظم ارتجاعی نوین به جنبش‌های کارگری و حق طلبانه در هر گوشه جهان میدهند.

با این جنگ دنیا به واقعیات دهه نود بیدار میشود. علم و کتل "دموکراسی" و "انسانیت" که بورژوازی غرب برای عقب راندن بلوک رقیب بالا برده بود، زیر پای خود او لگندمال میشود و تبلیغات و هیاهویی که برای به خط کردن روشنفکران ابله در غرب و شرق و برای سردواندن کارگران برپا شده بود بسرعت محتوای واقعی خود را آشکار میکند. رویای ابلهانه "صلح و صفا زیر سایه بازار" نقش برآب میشود و سرمایه ماهیت صمدبار آزمایش شده خود را بار دیگر عریان میکند. "هویت اروپایی" مصرف اولیه خود را به نمایش میگذارد: انکار هویت عام انسانی، چشم پوشیدن به مصائب و رنج غیرواروپایی و تقسیم مردم جهان به انسانهای درجه اول و درجه دوم. دنیای دهه نود قرار است دنیای احیای معیارها و اخلاقیات کولونیالیسم، دنیای میلیتاریسم، دنیای تروریسم تعمیم یافته، دنیای سانسور حقایق و ژورنالیسم نوکر باشد. این نظم "نوینی" است که دارد در این جنگ حدادی میشود.

روزی که آغاز "نظم نوین خونین" امپریالیسم

آمریکا رقم خورد!

انتشار مجدد یک اطلاعیه

رحمان حسین زاده

امروز هفدهم ژانویه ۲۰۲۵ است. ۳۴ سال قبل در چنین روزی یعنی در هفدهم ژانویه ۱۹۹۱ با حمله نظامی ارتش آمریکا به ارتش و تاسیسات نظامی و اقتصادی کشور عراق، گامهای اولیه هیئت حاکمه آمریکا در راستای شکل دادن به "نظم نوین جهانی" به "نظم تک قطبی جهانی" با رهبری یگانه امپریالیسم آمریکا برای دوران بعد از فروپاشی بلوک شرق رقم خورد. بهانه این حمله نظامی به عراق ظاهراً پایان دادن به اشغال کویت توسط دولت و ارتش بعث عراق بود. به دنبال اوج گرفتن اختلافات بین دولتهای عراق و کویت در اوت ۱۹۹۰ دولت بعث عراق تحت رهبری صدام حسین فاشیست کویت را به اشغال خود درآورد. این نزاع منطقه ای در شرایطی اتفاق افتاد که سیر فروپاشی بلوک شرق و پایان جهان دو قطبی شتاب گرفته بود. هیئت حاکمه آمریکا و متحدان ناتویی اش قصد شکل دادن به نظم جهانی بعد از فروپاشی بلوک شرق را داشتند. فرصتی لازم بود، که دولت آمریکا رهبری یگانه خود را بر دنیا تحمیل کند. لشکرکشی دولت عراق به کویت متحد آمریکا در خاورمیانه این فرصت را برای شاخ و شانه کشیدن امپریالیسم آمریکا فراهم کرده بود. در فاصله پنج ماهه اشغال کویت تا روز آغاز جنگ ارتش آمریکا علیه عراق، طی پروسه های دیپلماتیک جهانی و منطقه ای و در مناسبات دولتهای عرب منطقه امکان عقب نشینی ارتش عراق بدون نیاز به قلدردی نظامی آمریکا وجود داشت. همانوقت معلوم شده بود که دولت و ارتش عراق این گارانتی را میخواستند که در وقت عقب نشینی از کویت به خاک عراق مورد حمله نظامی ارتش آمریکا قرار نگیرند. دولت آمریکا چنین تضمینی را نداد، چون در راستای اهداف ارتجاعی خود به جنگ با ارتش عراق قابل شکست دادن ساده نیاز داشت. آنوقت تحلیلها و تبیین های وسیعی از این رویداد منطقه ای از جمله در میان نیروهای چپ در سطح جهانی و در منطقه مطرح بود. تحلیل جریان کمونیسم کارگری و مارکسیست روشن بین منصور حکمت از جنگ خلیج و رویدادهای بعدی آن، جزوتبیین های درخشان مارکسیستی آن دوره است، که در مجموعه مقالات و مصاحبه ها و از جمله دراطلاعیه پایین صحت و درستی آن را میتوان سنجید. اطلاعیه حزب کمونیست ایران بتاريخ بیستم ژانویه ۱۹۹۱ توسط منصور حکمت دبیرکمیته مرکزی وقت حزب کمونیست ایران تهیه شده که اکنون و بعد از ۳۴ سال و در بطن تحولات جهانی پیچیده کماکان ضرورت انتشار دارد. شما را به مطالعه این اطلاعیه فرامیخوانیم.

هفدهم ژانویه ۲۰۲۵

اطلاعیه حزب کمونیست ایران

درباره جنگ در خاورمیانه

۲۰ ژانویه ۱۹۹۱

در اولین ساعات روز ۱۷ ژانویه کابوسی که برای مدت ۵ ماه نفس را در سینه جهان حبس کرده بود به وقوع پیوست. با شلیک موجی از موشکهای کروز و حمله وسیع بمب افکن‌های آمریکا و مولفینش به شهرها و تاسیسات عراق جنگی خونین در خاورمیانه آغاز شد که عواقب مخرب و ارتجاعی آن چهره جهان را دگرگون خواهد کرد.

روزی که آغاز "نظم نوین خونین" امپریالیسم آمریکا رقم خورد!

انتشار مجدد یک اطلاعیه

رحمان حسین زاده

را در صدر حرکتها و جنبشهای مردم کشورهای مختلف بویژه در اروپا و آمریکا علیه جنگ پیدا کنند. حقایق این جنگ، خصلت سرمایه‌دارانه و ارتجاعی آن و مصائب قربانیان مستقیم آن باید در تقابل با تبلیغات ریاکارانه و یکجانبه رسانه‌ها و مطبوعات رسمی به مردم توضیح داده شود. در عین حال، در ایران و سایر کشورها، باید کوشید تا اعتراض علیه جنگ و سلطه‌طلبی آمریکا و متحدینش توسط حرکت‌های ضدکارگری و ارتجاعی، نظیر جریانات اسلامی و ناسیونالیستی، مورد سوء استفاده قرار نگیرد.

ابراز وجود سیاسی و اجتماعی قدرتمند طبقه کارگر کشورهای مختلف و بویژه آمریکا و اروپا چه در ختم فوری این جنگ و چه در خنثی کردن دورنمایی که بورژوازی جهانی در برابر دنیای امروز قرار میدهد حیاتی است. نفس اینکه چنین جنگی امکان بروز پیدا میکند، نفس اینکه سرمایه قادر میشود افکار عمومی را برای چنین اقدامی بسیج کند و نفس اینکه سران بورژوازی اروپا و آمریکا جرات میکنند در انتهای قرن بیستم چنین افق تاریکی از سرکوب و دخالتگری را در برابر بشریت قرار بدهند، خود حاصل غیبت این اردوی متحد و فعال کارگری است. حزب کمونیست ایران بعنوان بخشی از جنبش بین‌المللی طبقه کارگر خود را به تلاش برای شکل دادن به یک صف قدرتمند کارگری در برابر این جنگ و کل دورنمایی که بورژوازی در برابر جهان امروز قرار میدهد متعهد میداند.

حزب کمونیست ایران

۲۰/۱/۹۱

نشریه کمونیست، ارگان حزب کمونیست ایران، شماره ۶۰ - بهمن ۱۳۶۹

مصائب این جنگ به قربانیان بلافصل آن در خاورمیانه، به کشته‌ها و زخمی‌ها و آوارگانش، محدود نمیشود. عواقب سیاسی عملی آنهم تنها در آغاز دوره جدیدی از میلیتاریسم و سلطه طلبی آشکار قدرتهای امپریالیستی خلاصه نمیشود. این جنگ جهان را در همه ابعاد به عقب میکشد. اگر جلوی اینها گرفته نشود، جهان به میدان تعصبات جاهلانه مذهبی و میهن‌پرستانه، تروریسم کور، قومی‌گری و نژادپرستی تبدیل میشود. عقبگرد سیاسی و سقوط فرهنگی و اخلاقی در یک مقیاس جهانی نتیجه محتوم این جنگ خواهد بود.

حزب کمونیست ایران این جنگ و تهاجم آمریکا و متحدینش به مردم عراق را بشدت محکوم میکند. نه اشغال کویت توسط عراق و نه هیچ بحران منطقه‌ای دیگری چنین اقدام مخرب و ضد انسانی‌ای را توجیه نمیکند. مساله اشغال کویت میبایست در یک چهارچوب منطقه‌ای و از طرق غیر نظامی حل و فصل شود. ما خواستار قطع فوری جنگ و خروج نیروهای خارجی از منطقه هستیم.

به این جنگ باید خاتمه داد. فعالین حزب کمونیست ایران باید جای خود



یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد .

کمونیسسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است .

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات
شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

علاوه بر اعمال فشار بیشتر به جمهوری اسلامی، همچنین دست رژیم را از سرکوب آنها کوتاه کرد. هنوز خطر و سایه شوم اعدام از روی سر پخشان و وریشه کنار نرفته است و به سرانجام رساندن آن کار اعتراضات وسیعتر و پیگیرانهتر ما در همه شهرهای کردستان است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان دست همه انسانهایی را که در دور اخیر با زحمات شبانه روزی کارزار اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیز و وریشه مرادی را جهانی کردند به گرمی می‌فشارد و در کنار آنها با برپایی پیکت و تظاهرات و تلاش برای جلب توجه نهادهای انسان‌دوست و آزادیخواه خواهد کوشید. ما از مردم آزاده می‌خواهیم با اعتراض و تجمعات خود در شهرها تا لغو این حکم جنایتکارانه علیه پخشان عزیز و وریشه مرادی از پای ننشینند.

نه به اعدام

مرگ بر جمهوری اسلامی

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۲۶ دی ۱۴۰۳

۱۵ ژانویه ۲۰۲۵



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و

کمونیست در کردستان

در باره حکم جنایتکارانه علیه پخشان عزیز و وریشه

مرادی

زنان و مردان مبارز سنندج راه نشان دادند

اعتراض امروز (۲۶ دی‌ماه) زنان و مردان آزادیخواه سنندج در مقابل استانداری این شهر و تحرک چشمگیر نهادها و تشکل‌های انسان‌دوست در داخل و خارج از ایران در هفته اخیر علیه حکم شنیع اعدام پخشان عزیز و وریشه مرادی تنها راه چاره برای نجات این زنان مدد کار از زیر تیغ رژیم جنایتکار اسلامی است.

جمهوری اسلامی به‌مانند مار زخم خورده برای برون رفت از بحران‌های مزمن و حفظ قدرت جنایتکارانه خود دست به هر اقدام سبعمانه و ضد انسانی می‌زند. درست کردن پاپوش و پرونده جعلی و فشار برای تحمیل اقرار اجباری، سیاست روتین نهادهای امنیتی رژیم در سرتاسر حیات حاکمیت ننگین او بوده است. اما صادر کردن احکام فله‌ای این روزها توسط قضات جنایتکار رژیم در واقع مقابله با جامعه معترض ایران و به هدف عقب نشاندن خطر طغیان و شورش مردم است. جمهوری اسلامی اکنون بیش از هر زمان دیگری در حالت ضعف و ناتوانی بسر می‌برد و به‌خوبی دریافته است که دشمن واقعی او نه آمریکا و اسرائیل بلکه مردم معترض و به جان آمده‌ای هستند که هر روز و به شیوه‌های مختلف دست به کار سرنگونی آن هستند.

سرکوبگران رژیم برای پنهان کردن کابوس و ترس خود از طغیان توده‌های میلیونی، به فضای رعب و وحشت و صدور احکام جنایتکارانه پناه آورده و به خیال خود با این سیاست پیشگیرانه می‌توانند جامعه عاصی از حاکمیت سیاه خود را ساکت کند. اما دیگر برای جمهوری اسلامی دیر شده است. حتی وفادارترین مهره‌های این رژیم سرکوبگر هم اکنون پایان کار جمهوری اسلامی را حتمی می‌دانند. شیشه عمر این رژیم سفاک در دست مردم معترض، کارگران، معلمان، بازنشستگان و زنان تحت ستم و اکثریت جامعه‌ای است که تنها با به گور سپردن آن می‌توانند به یک زندگی امن و عاری از تهدید و فقر و تحقیر امیدوار باشند.

اعتراضات روزها و هفته‌های گذشته در کردستان و تجمع شکوهمند امروز در شهر سنندج علیه تهدید اعدام پخشان عزیز و وریشه مرادی از سوی فعالین اجتماعی و انسان‌دوست جامعه کردستان، دادخواهان و خانواده قربانیان توحش اسلامی، نهادها و تشکل‌های آزادیخواه، نشان از آگاهی و احساس مسئولیت طیف‌های مختلف جامعه کردستان در مقابل موج دستگیری و سرکوب جمهوری اسلامی دارد و امید به میدان آمدن توده‌های وسیع جامعه را برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از اعدام و کشتار عزیزانمان زنده نگاهداشته است.

مردم مبارز کردستان!

جمهوری اسلامی پس از ۴۶ سال اعدام و سرکوب نتوانسته است جامعه کردستان را به تسلیم بکشانند. برعکس، تحرک کنونی شما در دفاع از حق حیات و زندگی پخشان عزیز و وریشه مرادی به همه نشان داد که مردم مبارز در کردستان فعالانه‌تر در میدان مبارزه علیه سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی ایستاده‌اند. تنها امید برای نجات جان زندانیان اعدامی ادامه و گسترش همین ابتکارات و تحرکاتی است که در این روزها با شیوه‌های مختلف شما انجام داده‌اید. اعتراضات علنی و پر جمعیت باید از شهر سنندج فراتر برود و با گسترش آن به دیگر شهرها،

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

اعتراضات در محکومیت حکم اعدام

روز شنبه ۲۲ دیماه ۱۴۰۳ بیانیه‌ای از طرف جمعی از زندانیان سیاسی در محکومیت حکم اعدام صادر شد که در آن مجازات اعدام را غیرانسانی و ارتجاعی نامیدند و خواهان لغو کلی آن بودند. در بخشی از این بیانیه آمده است که: "حاکمیت که نگران شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی دیگری است، تلاش می‌کند با افزایش بی‌سابقه مجازات اعدام، سایه وحشت و هراس را بر جامعه نگه دارد. به گونه‌ای که با اعدام بیش از ۱۰۰۰ نفر، حدود ۷۵ درصد اعدام‌های صورت گرفته در جهان در سال ۲۰۲۴ سهم مردم ایران شده است."

روز شنبه ۲۲ دیماه تشکل‌ها و نهادهای مستقل کارگری بیانیه‌ای را در محکومیت مجازات اعدام صادر کردند. این تشکل‌ها و نهادها شامل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان بود. در بخشی از این بیانیه آمده است: "تشکل‌های مستقل امضا کنندگان این بیانیه صدور حکم اعدام بر علیه پخشان عزیزی، مهدی حسنی، بهروز احسانی و سایر زندانیانی که زیر حکم ظالمانه اعدام هستند را محکوم می‌کنند و همه تشکل‌ها، فعالان و مردم زحمتکش را به دفاع از ایشان فرا می‌خوانند."

روز دوشنبه ۲۴ دیماه فعالان صنفی البرز در محکومیت احکام ظالمانه علیه کنشگران مدنی و صنفی و محکومیت احکام قرون وسطایی اعدام شهروندان بیانیه‌ای را صادر کردند.

چهارشنبه ۲۶ دیماه تجمع اعتراضی نسبت به حکم اعدام پخشان عزیزی مقابل استانداری کردستان در سنندج برگزار شد. معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار لغو فوری این حکم شدند. در این تجمع، یکی از فعالان زن بیانیه‌ای را قرائت کرد که در آن حکم صادره «ظالمانه» توصیف شده و بر لزوم پایان یافتن چنین احکام تاکید شده بود.

روز چهارشنبه ۲۶ دیماه ۱۱ تشکل فرهنگیان در حمایت از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و اعتراض به صدور تایید و اجرای احکام اعدام بیانیه‌ای را صادر کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "تأیید حکم اعدام چهار زندانی سیاسی در روزهای اخیر، از جمله مجاهد کورکور، پخشان عزیزی، مهدی حسنی و بهروز احسانی نشان‌دهنده اوج‌گیری تقابل حاکمیت با مردم است. افزون بر این، هر روز شاهد اجرای احکام اعدام زندانیان گمنامی با جرایم غیرسیاسی هستیم، که خود گواهی بر استفاده ایزاری حکومت از اعدام برای سرکوب جامعه است."

اعتراض کارگران کارخانه سیمان ایلام

روز شنبه ۲۲ دیماه تجمع اعتراضی کارکنان کارخانه سیمان ایلام نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات و مشکلات مدیریتی و زیست محیطی برگزار شد.

اعتراض مردم کارزان استان ایلام به آلودگی هوا

مردم ساکن منطقه کارزان استان ایلام در اعتراض به آلودگی محیط زیست خود توسط کارخانه سیمان اعتراض کردند. این کارخانه به شدت محیط زیست منطقه کارزان را آلوده کرده و مردم در خطر گسترش بیماری‌هایی مانند سرطان هستند. مردم محل خواستار نصب فیلترهای مناسب برای کارخانه و رفع مشکلات آن شدند.

ادامه اعتراضات جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه چوکا

روز شنبه ۲۲ دی، جمعی از کارگران بازنشسته کارخانه چوکا در ادامه اعتراضاتشان نسبت به عدم پرداخت مطالبات دست به تجمع مقابل اداره تأمین اجتماعی رضوانشهر در استان گیلان زدند.

اعتراض بازنشستگان فولاد اصفهان

روز ۲۳ دیماه، بازنشستگان فولاد اصفهان در مقابل استانداری تجمع کردند. بازنشستگان به بلا تکلیفی اصلاح همسان‌سازی سال ۹۹ طبق صورتجلسه کارشناسان و اجرای صحیح فولادی همسان‌سازی ۱۴۰۳ بازنشستگان صندوق فولاد معترض هستند. بازنشستگان شعار "حضور بازنشسته، حمایت از کارشناس" سر دادند.

تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات

روز دوشنبه ۲۴ دیماه تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته مخابرات در مورد کاهش قدرت خرید، عدم پرداخت مطالبات و قطع خدمات بیمه تکمیلی درمان با برپایی تجمع، راهپیمایی، سردادن شعارها و برافراشتن پلاکاردها مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، ایلام، چهار محال و بختیاری، خوزستان، فارس، کردستان، کرمانشاه، گیلان، همدان و تهران مقابل ساختمان مرکزی شرکت مخابرات برگزار شد.

اعتراض پرستاران بیمارستان لقمان حکیم تهران

پرستاران و کادر درمان بیمارستان لقمان حکیم مجددا دست به اعتراض زدند. آنها می‌گویند: حقوق قانونی ما همچنان پایمال می‌شود و چیزی عوض نشده است. خواستهای پرستاران عبارتند از؛ پرداخت به موقع کارانه‌ها، اصلاح تعرفه‌ها، تسویه و واریز معوقات چند ماهه، اجتناب از شیفت‌های طولانی و حذف اضافه کاری اجباری مطالبات پرستاران بیمارستان لقمان حکیم در تهران است که خواستار بهبود اوضاع و اصلاحات به نفع نیروهای کادر درمان شده‌اند. پرستاران می‌گویند معوقات مزدی با تاخیر بسیار پرداخت می‌شود در حالیکه کار پرستاران شب و روز و استراحت ندارد؛ این عدالت نیست. پرستاران بیمارستان لقمان حکیم به کار سخت و دستمزدهای پایین اعتراض دارند. در شهر بورماه امسال، الهه کاظمی پرستار این بیمارستان بر اثر فشار کاری زیاد به کما رفت. در همان زمان پرستاران در بیمارستان‌های مختلف نسبت به تعرفه‌گذاری ناعادلانه و حقوق‌های ناچیز در اعتراض بودند اما علیرغم وعده‌ها شرایط کار و دستمزدها تغییری نکرده است.

اعتراض پرستاران بیمارستان خاتم الانبیا شهر شوشتر

پرستاران بیمارستان خاتم الانبیا شهر شوشتر استان خوزستان به عدم پرداخت اضافه‌کار ۱۰ ماه و ترمیم حقوق ۴ ماهه معوقه اعتراض دارند. بیمارستان در روز دوشنبه تنها به پرداخت کارانه فروردین و اردیبهشت اکتفا کرده است.

اعتراضی کارگران پتروشیمی ارغوان گستر ایلام در تهران

بخشهایی از کارگران پتروشیمی ارغوان گستر ایلام در برابر شرکت "صنایع پتروشیمی خلیج فارس"، برای

کارگران پیمانکاری شهرداری کوت عبدالله هنوز حقوقهای ابان و آذر ماه خود را دریافت نکرده اند. این کارگران اواسط ماه پیش در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود تجمع کردند و این تجمع منجر به پرداخت حقوق شهرویر و مهرماه آنها شد. کارگران میگویند: وعده داده بودند که حقوق آذرماه را اواسط ماه واریز کنند اما هنوز هیچ پرداختی ای انجام نشده

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

این جنگ نابرابر است، اما بازنده شما هستید!

ملکه عزتی

مردم به میدان آمدند تا دیگر سرکوب حکومت نتواند صف خشمگین آنان را به تسلیم بکشاند و به قتلگاه بفرستد. حربه های حکومت را به تمسخر میگیرند و علیه بنیانهای هویتی جمهوری اسلامی هر جا که امکان دارد اعتراض میکنند. این نبردی برابر نیست، حکومت هنوز توان سرکوب دارد، اسلحه و زندان و اعدام برگهایی هستند که با آن بازی میکند. مردم در مقابل کارت همسرنوشتی و خشمی خارج از اندازه را در دست دارند. قصد تسلیم شدن هم ندارند زیرا که بسیار روشن است که جمهوری در بدترین شرایط ۴۵ ساله خود قرار دارد و در کلاف سردرگم ناتوانی اقتصادی، بن بست سیاسی و شکست پی در پی سیاست تروریست پروری در منطقه درگیر است. اثری از محور مقاومت که ابزار فشار و ایجاد ناامنی در منطقه بود باقی نمانده. نقطه های امید یکی پس از دیگری کور میشود، این را ما نمیگوییم، به اذان دوستان حکومت هم یک تصویر واقعی این روزهاست.

با همه اینها جنگ ما مردم با رژیم جنگی نابرابر است! اما بازنده این جنگ رژیمی است که جز با قلدری و سرکوب و زبان اسلحه با مردم سخن نگفت و روبرو نشد و امروز در اوج ناتوانی تصور میکند سلاح زنگ زده سرکوب کماکان چاره ساز است. شما بعد از آنهمه تلاش و تقلا در تصویب قانون حجاب و عفاف و رفت و برگشت در دالانهای مجلس و شورای نگهبان و دفتر پزشکیان جرات اجرایی کردن آن را نداشتید و فعلا در بایگانی خاک میخورد، سرنوشت آن قانون سرنوشت محتوم کل دم و دستگاه حکومتتان است شما هم به بایگانی تاریخ خواهید رفت.

۱۶ ژانویه ۲۰۲۵

بازگشت به کار دست به تجمع زدند. اعتراض کارگران در چند ماه گذشته برای بازگشت به کار و تعیین تکلیف وضعیت شغلی خود بوده است. این کارگران از بومیان منطقه و شهرستان چوار هستند که بعد از سالها کار و تلاش در پتروشیمی هم اکنون برای تامین معاش خانوادههای خود کار می‌خواهند. در مهرماه تعدادی از این کارگران احضار، بازداشت و از آن مکان منتقل شدند. در آن زمان به گفتهای کارگران، در حین تجمع، دو نفر اقدام به خودسوزی نافرجام کرده‌اند که یکی از این افراد، پدر یکی از بازداشتی‌ها بوده است.

اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه آب معدنی داماش

دومین روز اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه آب معدنی داماش در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و حق بیمه و نداشتن امنیت شغلی در رودبار گیلان برگزار شد.

اجتماع مجدد بازنشستگان آموزش و پرورش ۱۴۰۲

بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۲ در اعتراض به عدم پرداخت ۶۰ درصد پاداش بازنشستگی (سنوات پایان خدمت) بعد از گذشت شانزده ماه مجدداً اعتراض کردند. آنها شعار میدادند: "فرهنگی بیدار است، از تبعیض بیزار است". وعده هایی از سوی مسئولین ذریبط برای تامین اعتبار در اسرع وقت داده شده ولی بازنشستگان به این وعده ها اعتمادی ندارند چون وعده زیاد شنیدند و عملی ندیدند.

اخراج کارگران معدن ورزقان توسط کارفرمای چینی

کارفرمای چینی معدن طلای مزرعه شادی از ورود کارگران قراردادی به محل کارشان ممانعت کرد. براساس این خبر از ابتدای هفته جاری کارفرما و پیمانکار چینی با متوقف کردن موقت فعالیت معدن طلای مزرعه شادی، اجازه ورود به کارگران شاغل در این واحد را نمی‌دهد. هنوز اخراج کارگران معدن طلا رسماً اعلام نشده است.

اعتراض مردم اراک علیه آلودگی هوا

پنجمین سه شنبه اعتراضی جمعی از اهالی اراک نسبت به مازوت سوزی نیروگاه و آلودگی هوادر دور جدید با راهپیمایی و تجمع و سردادن شعارهای "مازوت سوزی جنایتیته سکوت ما خیانتیته"، "هوای ما آلوده مسنول ما آسوده"، "هوای پاک حق اراک"، "نیروگاه خورشیدی تعطیل باید گردد" در روز سه شنبه ۲۵ دیماه برگزار شد.

اعتراض کارگران شرکت پانیا پرتو

کارگران شرکت بزرگ پانیا پرتو کهربا در شهرک صنعتی اندیمشک در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، عدم پرداخت حقوق و بیمه متناسب با سختی کار، دست به تجمع اعتراضی زدند.

عدم پرداخت حقوق کارگران پیمانکاری شهرداری کوت عبدالله



Parlow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: پاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۷
ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

ستون آخر

این جنگ نابرابر است، اما

بازنده شما هستید!

ملکه عزتی

بین روزها جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن بیشتر از هر زمانی درگیر نبرد مرگ و زندگی هستند. رئیس جمهور در مجامع عمومی و دیدار با مهره های ریز و درشت رژیم در سخنرانی های عمومی به مردم می گوید از هر سیاستی ناراضی هستید نامه بنویسید، اعتراض کنید!

خامنه ای دیگر به سیم آخر زده و به فحاشی روی آورده، در طویله اسلامی نمایندگان دزد و چاقو کش مجلس با رئیس مجلس درگیری لفظی دارند و با عربده کشی از نبود آزادی بیان در "صحن مجلس" شکایت میکنند. در همه سطوح ما مردم شاهد یک سیرک آشفته و مضمحل هستیم که از عهده اداره خودش هم برنمیاید. جنایات دهه ۶۰ در تلویزیون بازگویی میشود و هر کس تلاش دارد بار مسئولیت جنایات در زندان و قتل عام زندانیان سیاسی را بر عهده دیگری بگذارد. دزدی های کلان، رانت های حکومتی یکی پس از دیگری رو میشود، در همه عرصه ها در افشاگری و بازگویی جنایات هر کس تلاش دارد گوی سبقت از دیگری بریاید! سنگ روی سنگ بند نیست.

برای مرد محروم که در قدرت حکومتی شریک نیستند برق، آب و هوای تمیز وجود ندارد. مازوت سوزی مردم را دچار انواع بیماری های تنفسی کرده هر روز شهر و مکانی را تعطیل میکنند. گرانی بیداد میکند و افشار پایین جامعه دیگر حتی سفره ای برای پهن کردن ندارند. این تصویر کلی از جامعه ایی است که یک حکومت مستبد و سرکوبگر زندگی مردم را

گروگان گرفته و برای قدرت سلاح سرکوب و رعب و وحشت تنها فاکتورهایی است که با وحدت بکار گرفته می شود. از بازداشت و شکنجه هر کسی که در مخالفت با این اوضاع به اعتراض زده تا



و کشتار در زندان. پرونده سازی و تولید فیلم و اعتراضات اجباری را دوباره مستمسک قتل عمد دولتی قرار دادند و آشوبت اسلامی را دوباره به راه انداختند.

در مقابل این همه سرکوب و این سطح از آشفته گی اوضاع سیاسی و ناتوانی در حل مسائل اقتصادی، مردم اما هر روز قدمی جدی تر در اعتراضات خود برمیدارند و قدرت خود را در مقابل رژیم به نمایش میگذارند. مردمی که دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند و تنها راه نجات را در سرنگونی این حکومت میبینند. بازنشستگان، معلمین، جوانان و زنان قهرمانی که رسماً قوانین و مقررات جمهوری اسلامی را هر روزه به چالش میکشند. مردمی که علیه اعدام با شیوه های مختلف دست به اعتراض میزنند. اعدامی که بنا به تعریف قرار بود ترفند رژیم برای ایجاد ارباب و به تسلیم واداشتن جامعه باشد امروز موجب همصدایی و همراهی صفوف مختلف جامعه شده. از زندان و سه شنبه های اعتراضی تا تجمع زنان در ساندج در مقابل "استانداری این شهر" تنها تصویر کوچکی از این اعتراضات است. صف عظیم معترضینی که نه تنها مرعوب نشدند بلکه مهمترین سلاح رژیم را به مصاف طلبیده و مصمم هستند آن را در هم بشکنند. مردم به تنگ آمده از این همه نابرابری، این حجم از فقر و نداری دیگر حاضر نیستند در سکوت مرگبار شاهد نابودی تدریجی زندگی خود عزیزانشان باشند.

صفحه ۱۵

آدرسهای تماس با حزب
کمونست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

UK

هینت تحریریه نشریه کمونست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

اگر برای کمونست مقاله میفرستید:

منفکلی
کمونست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!